



استاد خلیل کارگر؛ عکس: سیدکیوان گلدانساز، خانه حسینیان یزد، شهریور ۱۳۹۴

عامل شکل‌گیری بافت تاریخی؛ خوداتکایی، احترام به طبیعت و هم‌نوع

در گفتگویی با استاد خلیل کارگر

تهیه و تنظیم: سیدکیوان گلدانساز، محبوبه آذرزاده

چیدمان: به نظر شما چه عواملی در شکل‌گیری بافت تاریخی شهر یزد دخیل و تأثیرگذار بوده است؟

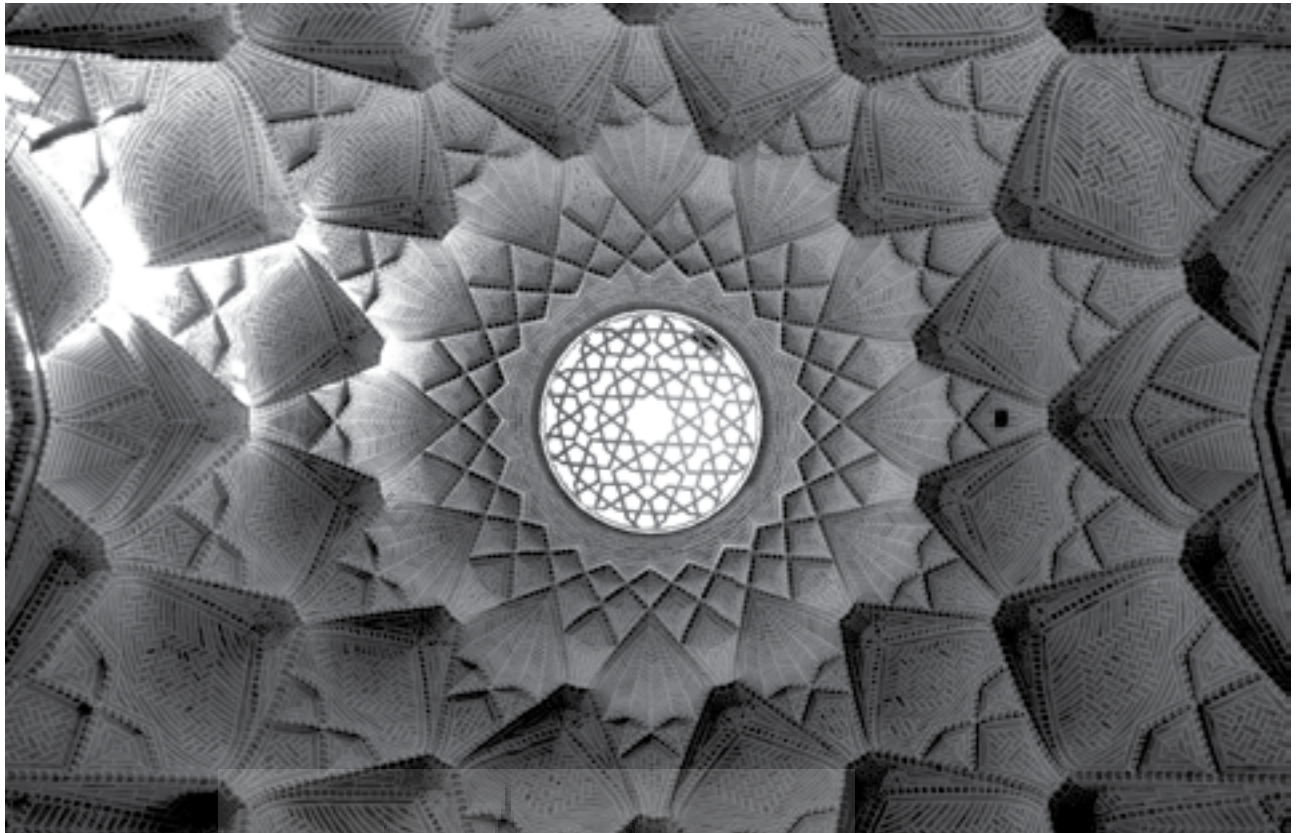
به نظر می‌رسد اولین اصل مؤثر در بافت تاریخی شهر یزد استفاده از مصالح بومی بوده است، اگر به ساختمان‌های بافت تاریخی یزد نگاه کنیم مصالحی که به کار رفته تماماً مصالحی بوده که در اطراف همین شهر به وفور یافت می‌شده است. به نظر من خوداتکائی، احترام به طبیعت و احترام به هم‌نوع همراه با فکر و سخت‌کوشی که همه اینها برگرفته از فرهنگ دینی و معنویت مردم یزد بوده در شکل‌گیری بافت تاریخی شهر یزد تأثیرگذار بوده است.

خوداتکائی یعنی ساختمانی می‌ساختند بسیار زیبا و ماندنی بدون اینکه هیچ‌گونه وابستگی به جاهای دیگر داشته باشند. احترام به طبیعت؛ ببینید در یزد اگر می‌خواستند در ساختمان

استاد خلیل کارگر در بهمن سال ۱۳۳۷ در شهر یزد متولد شد. او از چهارده سالگی به کار معماری روی آورده و در محضر استادان رحیم و حسین صادقی و علی‌اکبر خرمی به فراگیری معماری سنتی پرداخته است. وی در تمامی زمینه‌های معماری سنتی از جمله کاشیکاری، گچ‌کاری، آینه‌کاری، معرق‌کاری و... مهارت دارد. طراحی و ساخت گنبد ملافرج... یزد، طراحی و ساخت مسجد آل رسول و حسینیه بیده میبد، یزدی‌بندی بازار خان یزد، مرمت و معماری گنبد حسینیه هشت یزد از جمله آثار معماری وی محسوب می‌شوند.

ما به شوق دیدنش سوم شهریورماه ۱۳۹۴ کوچه پس‌کوچه‌های محسور در دیوارهای بلند را طی می‌کنیم، خودش به مثابه بنایی استوار از تجربه و روایت در خانه حسینیان روبه‌روی ماست تا از شرح عاشقی‌اش با خطوط و آجر و گچ بگوید...





یزدی بندی - بازار خان یزد - اثر استاد خلیل کارگر

یزد شکل بگیرد.

چیدمان: مکان یابی برای عناصر مهم محله مثل مسجد، بازارچه، آب انبار به چه صورتی بوده است و مکان یک خانه چگونه در یک محله انتخاب می شده است؟ دلیل به وجود آمدن دربندها، همسایگی ها و دربندهای فامیلی را در چه می بینید درحالی که ارگانی مانند میراث فرهنگی برای پاسداری از آن ها وجود نداشته است؟

چون در قدیم شغل اکثریت مردم کشاورزی بوده سعی می شده در حد امکان از زمینهایی برای ساختمان سازی و محل سکونت استفاده شود که حاصلخیزی کمتری داشتند یعنی برای کشت و کار مناسب نبودند. محلات قدیمی یزد مسجدجامع، شاه ابوالقاسم، فهادان، محلات یعقوبی و... همین طور شکل گرفته است.

مریم آباد و حسن آباد مشیر اینها محلات قدیمی شهر یزد که خاک همه این مناطق عمدتاً چیلو است. تا آنجا که من اطلاع دارم در زمین هایی که ریگزار بوده به واسطه وجود رطوبت و همچنین شوری خاک در طی سالیان دراز به یک جسم بسیار سخت تبدیل می شود که به آن چیلو می گفتند این چیلوها به شکل قلوه سنگ های ریز و بزرگ در کنار هم شکل گرفته که به نظر می رسد مرکز آن هم همین محله مسجدجامع می باشد. حتی در حفاری که در ایوان مسجدجامع گرفته بود من خودم مشاهده کردم که پایه های ایوان مسجدجامع بدون هیچ گونه پی کنی و یا شفته ریزی روی همین چیلوها سوار شده است. خلاصه اینکه

به جای خشت آجر به کار ببرند مستلزم این بود که مقدار زیادی چوب و بوته های بیابانی را بسوزانند برای تهیه آجر که این خود نابودی منابع طبیعی و جنگلی را در پی داشت ضمن اینکه خیلی زود وابستگی را به دنبال می آورد به همین خاطر در بافت تاریخی شهر یزد آجر در حداقل ممکن و در حد نیاز استفاده می شده است.

سوم احترام به همنوع و مردم داری؛ ما وقتی در کوچه پس کوچه های بافت تاریخی شهر یزد می گذریم می بینیم نمای تمام خانه ها در کوچه تقریباً به هم شبیه هستند حتی وسعت خانه ها را هم نمی شود تشخیص داد چراکه اینجا محل گذر است و فخر فروشی و به رخ کشیدن کاری ناشایست بوده ولی در داخل این خانه ها هر کسی به اندازه وسعش مایه می گذاشته و اجازه می داده به معمار که به قول معروف هنرنمایی کند و معمار هم با فکر و تجربه کاملاً کاربردی بوده مثل زیرزمین یا سرداب، بادگیر، هشتی، ورودی و همچنین استفاده از قوس های متعدد در اطراف ساختمان که این کار تأثیر مثبت زیادی بر اعصاب و روان انسان دارد.

خود عناصری را برای این خانه در نظر می گرفته که ضمن زیبایی استفاده از چفت های متعدد در نما سازی ساختمان که هر کدام از این چفت ها جداکننده عنصری از این نما مثل درب، ستون، قوس، کاربندی و کتیبه می باشد که این کار ضمن زیبایی بخشیدن خاصی به بنا، احترام به حق و حقوق دیگران را در ذهن انسان تداعی می کند. خلاصه اینکه همه اینها دست به دست هم داده تا این بافت تاریخی بسیار ارزشمند در شهر



گنبد سنی فاطمه همسر امیرچقماق پس از بازسازی، اثر استاد خلیل کارگر



گنبد سنی فاطمه همسر امیرچقماق قبل از بازسازی



گنبد حسینیة هشت پس از بازسازی، اثر استاد خلیل کارگر



گنبد حسینیة هشت قبل از بازسازی

وابسته بودند به دور از هرگونه افراط و تفریط زندگی می کردند. این زندگی کردن و بر اساس آن ملزوماتی را نیاز داشته مثل مسجد، خانه، آب انبار، بازارچه، دربند، ساباط، بادگیر، پایاب و امثالهم که به مرور فراهم کردند و آن‌ها این کار را نکردند که کسی از آن‌ها پاسداری یا محافظت کند اینها فرهنگ معماری و فرهنگ زندگی آن‌ها بوده، متأسفانه در این زمانه ما خیلی از آن فرهنگ‌ها فاصله گرفتیم و این ما، مردم و ارگان‌های ذیربط هستیم که باید در حفظ و احیای آن فرهنگ معماری و زندگی بکوشیم نه اینکه فقط محافظت کنیم بلکه به عمل درآوریم.

چیدمان: از آیین‌هایی مانند اینکه همه در فصلی خاص شروع می کردند پشت بام‌هایشان را مرمت کردن و نماها را اندود کردن برایمان بگویید.

چون تمام پشت بام‌های یزد کاه‌گلی بوده و با وجود هوای گرم کاه‌گل پوک می‌شود و اگر هم سرد شود یخ می‌زد و می‌شکست، به همین علت اول پاییز مبنای کارشان بوده که پشت بام‌ها را کاه‌گل کنند، البته این در شهر یزد رسم نبوده و در اطراف شهر یزد مثل بافق، ابرکوه و میبد رواج داشته است. در این شهرستانها همه کار داشته‌اند و کارگر چندان در دسترس نبوده به همین دلیل چهار الی پنج نفر با هم می‌شدند و کاه‌گل را آماده می‌کردند و هر روز با همکاری‌ای که همسایگان با هم داشتند به کمک یکدیگر می‌رفتند تا اینکار به صورت یک آیین و فرهنگ درآمده است. ■

مسجد و آب انبار که جنبه استفاده عمومی داشته سعی می‌شده که در مرکز محله یا چند محله قرار گیرد. با در نظر گرفتن مسأله آبرسانی آن البته در بعضی موارد هم سازندگان این بناها و حتی خانه‌ها مسیر قنات را از این بناها می‌گذراندند و یا سر راه قنات موجود مسیر انحرافی می‌زدند تا آب را به این محل‌ها که جنبه عمومی داشته برسانند و قنات‌هایی هم که از خانه‌ها عبور می‌کرده با ایجاد پایاب هم خودشان استفاده می‌کردند و همسایه‌ها از این آب استفاده می‌کردند. بازارچه هم که محل داد و ستد مردم بوده کم‌کم در مرکز چندین محله شکل می‌گرفته و وسعت پیدا می‌کرده و اما اینکه دلیل به وجود آمدن دربندها، همسایگی‌ها و گفتم شغل اکثریت مردم کشاورزی بوده و اگر هم شغل‌های دیگری داشتند تقریباً خانوادگی بوده، یعنی پدر و فرزندان، برادر بزرگتر و برادرانش با هم مشترکاً کار می‌کردند دربندهای فامیلی را در چه می‌بینم، همانطور که خدمتتان و معمولاً هم در کنار هم زندگی می‌کردند؛ این بوده که زمین بزرگی را تهیه می‌کردند و البته کم‌کم و به مرور خانه‌ها را می‌ساختند از آنجایی که اینها مشترکات زیادی با هم داشتند و رفت و آمد بین آن‌ها زیاد بوده و حتی در اکثر موارد آشپزی و طبخ غذا هم برای کلیه افراد خانواده در یکی از این خانه‌ها صورت می‌گرفته، این مشترکات و این رفت و آمدها باعث می‌شده که حریمی مورد نیاز باشد که بدین‌گونه دربندها شکل می‌گیرند. به هر حال گذشتگان ما با بهره‌گیری درست و بی‌ریا از فرهنگ غنی اسلام همدلی، همزیستی و احترام به دیگران و احترام به هر آنچه که به آن‌ها وابسته بوده و یا آن‌ها به آن

